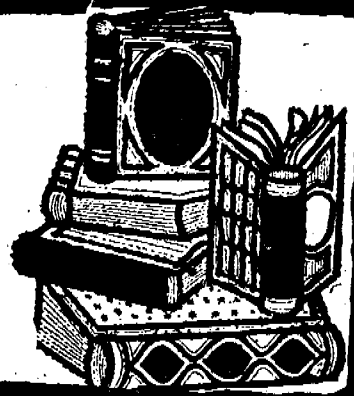


# یادداشت‌هایی از عصر پهلوی



۱۷ دی ۱۳۱۴

-۷-



اعلیه حضرت رضا شاه کبیر در موقع مراجعت از جلسه تاریخی ۱۷ دیماه ۱۳۳۴ در دانشسرای تهران

که آنرا باصلاح و نهضت بانوان می گفتند  
بیخبر باشند مخصوصاً جامعه بانوان ایران

شاید بسیار کسانی که در این ایام از  
برکات و سعادت پرده گشایی زنان ایران

که نصف پیمکر عظیم ملت ایران را تشکیل میدهد از جزئیات حوادثی که در نتیجه منجر به رفع حجاب و آزادی نسوان شد بدرستی اطلاع نداشته باشند - این همه ترقیات که از حیث تربیت و تعلیم و مساوات حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی در این زمان همایون به عنایت شاهنشاه آریامهر حاصل کرده اند همه مرهون روز مبارک ۱۷ دیماه ۱۳۱۴ ش می باشد که در آنروز به اراده و پشتیبانی و امر شاهنشاه پهلوی ورقی تازه در تاریخ کشور ما گشوده شده.

چون نویسنده این یادداشت خود در متن آن حوادث قرار داشتم و این اصلاح بزرگ را شاهد و ناظر بودم - وظیفه خود دانستم که از یادداشتهای مفصلی که در این باره دارم خلاصهای فراهم کرده و تاریخچه یکی از مفاخر بزرگ آن عصر مبارک را اجمالاً تقدیم خوانندگان نمایم.

\* \* \*

روزی از روزهای تیسر ماه ۱۳۱۲ هنگام عصر در قصر سعد آباد جلسه هیئت وزراء منعقد بود -

شاهنشاه پهلوی در این روز بوزیر معارف کرده فرمودند: «سابقاً بکفیل معارف دستور دادم برای رفع روپوشیدن زنان اقدام نماید، اما او نخواست یا نتوانست و کاری نکرد، حالا باید شما در این کار با کمال متانت و حسن تدبیر اقدام کنید که این رسم دیرین که برخلاف تمدن است، از میان برداشته شود.

وزیر معارف عرض کرد: «امر مبارک را اطاعت می کنم، این رسم نه تنها، بر خلاف تمدن است بلکه برخلاف قانون طبیعت است، زیرا که در دنیا هیچ دو جنس ذکور و اناث در نباتات و حیوانات خلق نشده که جنس ماده از جنس نر روی خود را پنهان کند... البته امر و دستور اعلیحضرت را کوشش می کنم اجرا نمایم، زیرا امر سلطان فرض است و هم عقیده خودم نیز همین است که یکی از علل بزرگ عقب افتادن مملکت ما از قافله تمدن دنیا آن است که نیمی از بدن ملت ما بکلی فلج مانده است.

اعلیحضرت پهلوی لحظه ای سکوت کردند و سپس بمذاکرات دیگر مشغول شدند و بعد از پایان جلسه تشریف بردند. پس از آن وزیر معارف بخیال خود جمعی از بانوان روشنفکر و تحصیل کرده را که در خدمت معارف و مدارس بودند جمع کرد و از آنها مجمعی گرد آورد.

در بالا خانه وسیعی در خیابان سپه نزدیک چهارراه حسن آباد این مجمع تشکیل شد و آن را «کانون بانوان» نام نهادند.

از جمله خانمهای دانشمند و منور الفکر که باوضاع دنیا آشنا بودند و در این کار پیشقدم شدند، یکی شادروان خانم صدیقه دولت آبادی و دیگر مرحوم خانم پروفیسور فاطمه سیاح که در روسیه تحصیل کرده بود و دیگری خانم هاجر تربیت

( سناتور فعلی ) و بعضی دیگر مانند خانم بدرالملوک بامداد و خانم فخرالزمان غفاری بایندرو خانم پری حسام شهیدی که همه از بانوان و مفتشات و معلمات تحصیل کرده بودند و برای این خدمت بزرگ شور و شوقی داشتند ، پس ، خانم صدیقه دولت آبادی ( که خانواده محترم مش در آزادبخواهی پیش قدم بودند ) و از حیث سن و معلومات بر دیگران تقدم داشت ، بسمت ریاست کانون انتخاب شد .

اکنون بر ماست که آن خانم‌ها را بر این جرأت و شهامت که نشان داده‌اند ، همیشه بنبکی یاد کنیم و برای سعی جمیل ایشان که در تاریخ آزادی بانوان ایران عصر جدیدی را پیش قدم بودند ، اجر جزیل مسئلت نمائیم .

دیگر در برنامه وزارت معارف که هم‌عنان با تشکیلات مجامع بانوان در کانون بانوان و مدیران مدارس دخترانه در نظر گرفته شد مقرر داشتند که بتدریج مجالس جشن و خطابه تشکیل داده و دختران در آنجا با روی باز درصاف دانشجویان قرار گرفته و بایراد خطابه‌های اخلاقی و سرود های مخصوص مدارس هم‌آواز شوند و رجال محترم راهم در آن مجالس دعوت کنند و بعد از آن مانند پسران ب ورزش و مشق بدنی مشغول شوند .

این اقدامات مجامع محافظه کار را بمخالفت برانگیخت ، از جمله در شیراز مجلس جشنی که در فروردین ۱۳۱۴ بهمین

متظور در مدرسه شاپور ( شعاعیه ) فراهم شد ، دختران دبستان ( مهر آئین ) که بانوی دانشمندی بنام « خانم الاء » تأسیس کرده بود ، صف منظمی آراسته بعد از آنکه لایحه خواندند و سرود سرآیدند ، ب ورزش و ژیمناستیک مشغول شدند .

از این معنی محافل ارتجاعی شهر برآشفته از جمله یکی از آقایان از اجله علما روحانی و نیز مرد فعال و دانشمندی بود ، تلگرافی بشاه عرض و از وزیر معارف شکایت نمود که این وزیر علیه ما علیه دختران را در ملاه عام حاضر کرده و به « ترقص » واداشته است البته اعلیحضرت رضا شاه باین تلگراف اهتنا نکرده و عین آن را برای وزیر معارف فرستادند .

ماده دیگر بر نامه آن بوده که همراه این اقدامات که از طرف وزارت معارف در داخله مدارس در تمام مملکت بعمل می‌آمد يك سلسله مقالات بنظم و نثر در جراید منتشر گردید که همه بزبان پند و اندرز و انتقاد از عادت معمولی نقاب و حجاب سخن می‌گفتند .

از آن میان قطعه‌ای از ایرج میرزا جلال الممالک که به طنز سروده بود انتشاری وسیع یافت و آن این است :

در سر در کاروانسرائی

تصویر زنی بگچ کشیدند

ارباب ... این سخن را

از مخبر صادقی شنیدند

گفتند که و اشریعنا خلق

روی زن بی حجاب دیدند  
ایمان و امان بسرعت برق  
می رفت که مؤمنین رسیدند  
این خاك آورد و دیگری آب  
يك پرده نرگل براو بریدند  
غفلت شده بود ، خلق وحشی  
چون شیر درنده می دویدند  
بی پیچه زن گشاده رو را  
پاچین عفاف می دریدند  
درهای بهشت بسته می ماند  
مردم همه می جهنمیدند  
این است که نزد خالق و خلق  
ارباب ... روسفیدند

چون این بر نامه منظم بعرض شاهنشاه  
رسید . اظهار رضایت کردند . باین ترتیب  
يك سال سپری شد .

در آبان ماه ۱۳۱۴ . روزی که  
ایشان از سفرمازندران مراجعت می کردند  
مرحوم فروغی رئیس الوزراء و دیگر اعضای  
هیئت دولت باستقبال قدوم ایشان در دهلیز  
عمارت دربار ایستاده ، نزدیک به غروب بود  
که شاهنشاه از اتومبیل پیاده شدند ، بعد  
از تعارفات رو بو وزیر معارف کرده گفتند :

«فلانی درباب رفع حجاب چه کردید؟»  
وزیر معارف عرض کرد : « مطابق برنامه  
عمل که بعرض رسیده اقداماتی شده و تا حدی  
پیشرفت کرده و افکار عمومی آماده شده است ،  
اکنون دختران خردسال با روی  
گشاده بمدرسه میروند ولی نسبت بزنان  
سال خورده تنها این اقدامات معارف کافی

نیست ، باید در خانواده های عالی مملکت  
يك عمل جدی بظهور برسد و اگر شخص  
اعلیحضرت همایونی پیش قدم شوند ، مردم  
همه تأسی خواهند کرد که از قدیم گفته اند:  
«الناس علی دین ملوکهم .»

شاهنشاه لحظه ای تأمل کرده : پس  
از چند دقیقه سکوت گفتند : (عبارت ایشان  
عیناً نقل میشود ) بسیار خوب : دیگران  
که اقدام نمی کنند ، من پیر مرد حاضر  
که جلو بیفتم و سرمشق بشوم ،

پس از آن ، وزرا را مخاطب ساخته  
وبرانجام این کار بزرگ تأکید فرمودند .  
وزیر معارف در پیرو این جلسه ،  
نامه ای بدفتر شاهنشاهی نگاشت و پیشنهاد  
کرد که درمجلس جشن فارغ التحصیلی آن  
سال مدارس که موقع اعطای دیپلمها وجوایز  
است ، شاه و ملکه و شاهدخت ها تشریف  
بیاورند و دیپلم و جوایز را مرحمت  
کنند خانهای خدمتگزار معارف از مدیر  
ها ومعلمات و مفتشات همه حاضر خواهند  
بود بعد ازچنین مجلسی روز آزادی نسوان  
رسماً اعلام شود .

پس از چند روز از دفتر مخصوص  
جوابی رسید که اعلیحضرت همایونی مقرر  
فرموده اند :

« و فعلاً به علت سردی هوا انعقاد  
مجلس جشن مناسب نیست و باید تا برای  
فصل بهار که هوا مساعد شود ، تأمل کنید»  
وزیر معارف درك کرد که نظریه -  
مصلح و مقتضیات سیاسی تعجیل در این

امرا مناسب ندانسته اند ، ناچار اطاعت کرده ولی برنامه انعقاد مجالس جشن و خطابه در کانون بانوان و در مدارس پایتخت و شهرستان ها همچنان ادامه داشت و دختران جوان حضور یافته لایحه می - خواندند و دیپلم های خود را می گرفتند . در این مجلس نیز رؤسای ادارات و احياناً وزراء و محترمین نیز حضور می یافتند .

در آذر ماه همان سال وزیر معارف مسافرتی به خوزستان کرد ، در اهواز تلگرافی از آقای محمود جم رئیس الوزراء رسید باین مضمون :

د بر حسب امر همایونی زود تر مراجعت نمایند . . . وی نیز خود را حاضر کرده عازم تهران شد .

روز ۲۵ آذر ماه وزیر معارف به - حضور شاهنشاه شرفیاب شده بعد از عرض گزارش سفر خود شاهنشاه فرمودند :

د سابقاً در جواب پیشنهاد شما گفتم که مجلس جشن سالیانه معارف را تأخیر بیاندازید ، اما حالا بمناسبت وقایعی که در خراسان پیش آمده و اشخاص مقصر تنبیه شده اند ، تأخیر مصلحت نیست هر چه زود تر مجلس خود را تشکیل دهید . . .

( یکی از سیاست ها و تدابیر حکیمانانه رضاشاه کبیر آن بود که همیشه بعد از وقوع حوادثی که باعث تحریک عامه می شد و تماس با افکار عوام الناس داشت و مفسدین در صدد اغواء خلق و تحریک اعصاب بر می آمدند فوراً بیک عمل حاد و

بیک ضرب شست چشم گیر که نشانه قدرت داشت دست می زدند - چنانکه در سال ۱۳۰۷ وقتی که سران عشایر و ایلات جنوب متحد شده و علیه دولت به عصیان و یافی - گری قیام کرده بودند و مردم پایتخت سخت نگرانی داشتند ، همان روز امر فرمودند که بلدیة تهران خیابان شاه آباد را که از شریان های مهم عبور و مرور شهر است ، ترمیض نمایند و خانه هایی که در مسیر واقع شده اند باکمال قدرت خراب کنند ، عمل شدید موجب تسکین افکار و ارباب مفسدین شد )

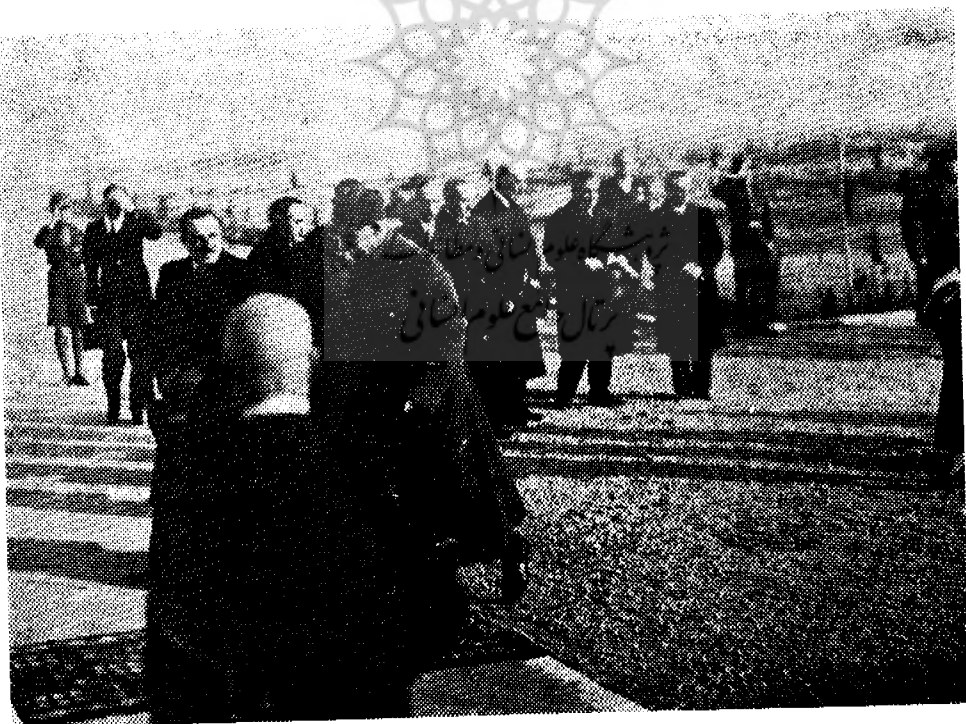
در آن روزها وقایع فتنه شیخ بهلول در شهر مشهد و بست نشستن جمعی در مسجد گوهرشاد اتفاق افتاده بود که قوه قهریه آنها را متفرق ساخته و عوامل فتنه و فساد را گرفتار و مجازات کردند ، لازم دانستند که در همان موقع مردم را متوجه بیک قدرت نمائی ساخته تا مشت محکمی به دهان فتنه گران زده باشند .

شب ۲۵ آذر جلسه هیئت وزرا در دربار منعقد بود شاه روبه وزیر معارف کرده فرمودند :

مجلس جشن توزیع دیپلم ها کی خواهد بود و در کیجاست ؟ . . . وزیر معارف که خود را حاضر کرده بود فوراً جواب داد که کارهای ما آماده است ، در عمارت نوساز دانشسرای تهران اگر اجازه بفرمایند روز چهارشنبه ۱۷ دی برای تشویق پسران و دختران فارغ التحصیل



اعلیحضرت رضاشاه درموقع ورود بدانشسرای تهران



اعلیحضرت رضاشاه کبیرموقع ورود بدانشسرای تهران

وجود مبارك و علياحضرت ملكه و والا-  
حضرت شاهدختها تشریف بياورندموجب  
افتخار خواهد بود .

\*\*\*

جلسه تاريخی رفع حجاب از زنان  
ایران در روز چهارشنبه ۱۷ دیمه ۱۳۱۴  
شمسی منعقد شد ، بعد از ظهر که آسمان  
ساف و آفتاب درخشان و هوا در کمال  
اعتدال بود ، در دو طالار فوقانی عمارت  
دانشسرای تهران (خیابان روزولت) مراسم  
پذیرائی به عمل آمد و رؤساء مدارس  
حالیه خانم های مدیره دبستانها و دبیرستان  
ها و دختران فارغ التحصیل درسالن شرقی

حاضر بودند، درسالن غربی جمعیتی ازرجال  
و محترمین و هیئت وزرا و مدیر های  
دبیرستانها و صاحبمنصبان عالیرتبه وزارت  
معارف قرار گرفتند .

عمارت دانشسرا که اکنون مقر  
دانشسرای عالی است ، تازه از زیر دست بنا  
بیرون آمده و عمارتی چنانکه اکنون هست  
بسیار زیبا و به مهندسی مارکوف روسی  
ساخته و آماده شده بود صبح آن روز سر-  
لشکر کریم بوذرجمهری رئیس بلدیة تهران  
بعموان آنکه برای کمک آمده است به آن  
مدرسه آمد و باتفاق وزیر معارف دهمه سالن  
هارا بازدید نمود و در وقت گویا فوراً گزارش



علياحضرت ملكه پهلوی - والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی  
در ۱۷ دیمه ۱۳۱۴ دانشسرای تهران

خود را به عرض رسانیده بود .

درست در ساعت سهونیم بعد از ظهر اتومبیل شاهنشاه به صحن باغ دانشسرا وارد شد . وزیر معارف خیرمقدم عرض کرد شاهنشاه باتفاق نخست وزیر و هیئت وزرا به سمت سالن غربی راهنمائی شدند و در آنجا برابرمیزی بزرگ که دیپلم ها و جوایز حاضر شده بود قرار گرفتند . وزیر معارف لایحه مختصری در گزارش و عرض سپاس قرائت کرد و بعد از آن شاهنشاه دیپلم ها را بدست خود بیکایک مدیران آموزشگاهها اعطا کردند و جوایز شاگردان برجستهارا مرحمت فرمودند .

آنگاه وزیر معارف استدعا کرد که اکنون بطالار دیگر تشریف فرما شوند . در آنجا تمام خانمها لباس متحدالشکل که عبارت از جامه بلندسورمه ای رنگ بود برتن داشتند و همه نشان شش گوش مخصوص معارف را بر سینه خود نصب نموده و در صف منظمی ایستاده بودند .

شاهنشاه بعد از توزیع دیپلمها و جوایز بطرف خانمها آمدند ، خانمهاجر تربیت که مدیره دانشسرای دختران بود ، لایحه ای عرض کرد و اعلیحضرت در جواب سخنانی دایر بر اهمیت مقام زن در اجتماع و عقب افتادگی زنان ایران و تشویق آنان به برابری و هم شانی با مردان بیان فرمودند .

بعد از ساعتی که این مراسم انجام گرفت ، بخانمها ابراز مرحمت فرمودند

و سپس به راهنمائی وزیر معارف تمام اطاق ها و کلاسها و طالارهای اجتماعات و کتابخانه و آزمایشگاه آن مدرسه را یکایک دیدن فرمودند .

سپس به بیرون تشریف برده و به وزیر معارف ابراز لطف و مرحمت کردند و آن مجلس تاریخی پایان رسید . شرح این مجلس و متن بیانات شاهانه و لایحه خانمها در تمام روزنامه های تهران و به تفصیل در مجله تعلیم و تربیت که نشریه رسمی وزارت معارف بود مندرج است .

\*\*\*

ساعت شش بعد از ظهر همان روز ، جلسه هیئت وزیران در عمارت دربار در اطاق کوچک مخصوص منعقد شده بود و شاهنشاه به آن جلسه تشریف آوردند و بسیار مسرور و بشاش بودند . رئیس دولت و افراد وزرا هر یک بمناسبت موقع تبریک عرض کردند و بتجلیل و تمجید از کار های بزرگ شاهنشاه سخنانی گفتند .

شاهنشاه فرمودند : از امروز ملت ایران در صف ملل متمدن داخل شد ، همیشه اروپائیان ما را بواسطه عادت زنها به حجاب و جهالت و بی سوادی زنان مورد طعن و شماتت قرار می دادند ، ولی بحمدالله این عیب رفع شد و این کار انجام گرفت و این خدمت را هم مثل سایر خدمات به مملکت انجام دادیم .

هر یک از آقایان وزرا در پاسخ سخنی گفته و از اقدامات خطیر و عظیم که





خانم‌های معلمان معارف در دانش‌سرای تهران ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴

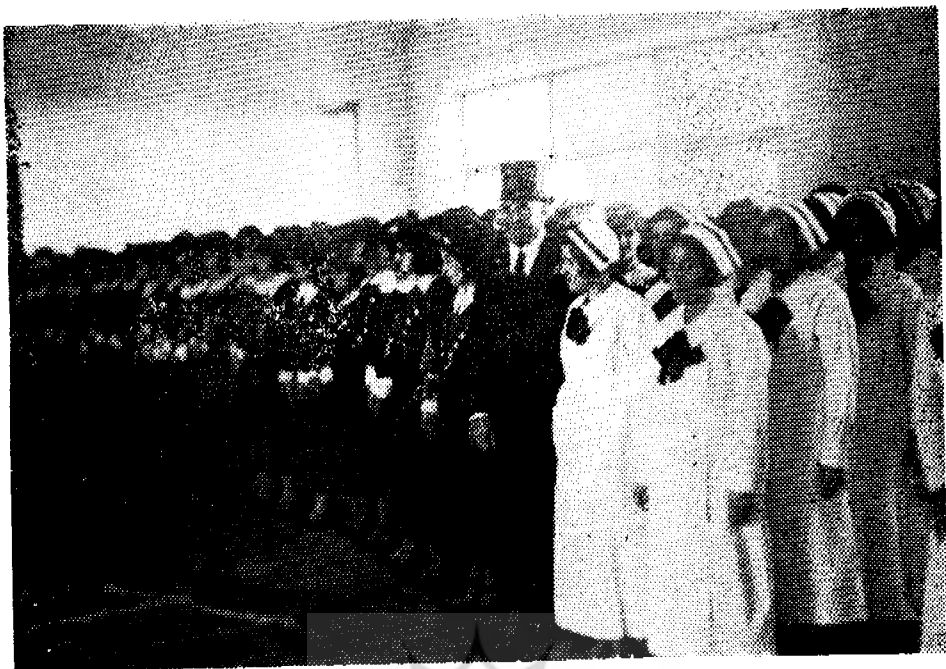
مرئی و منظر جوانان بوالهوس برقص پرداخته و با آن جوانان بانواع رقص‌های معمول فرنگستان مشغول دست افشانی و پای کوبی شدند و از طرف دیگر مأمورین شهر بانی و پلیس‌ها در تهران و فرمانداری‌های و بخش‌داری‌ها در شهرها و قصبات مملکت برحسب دستور وزارت کشور بزنان بی‌خبر مزاحم شده و آنها را با جبار و ادار بکشف حجاب می‌کردند و حتی چادر و نقاب آنان را پاره می‌کردند .

این هر دو پیش آمد در طبقات اواسط الناس و متدین بسیار تأثیر سوء نمود و یک‌حس انزجار و تنفر خیلی مخفی در عامه تحریک شده بود خاصه که محرمانه

بدست ایشان صورت گرفته ، مانند تشکیل ارتش، ایجاد امنیت ، تأسیس راه آهن و کارخانجات و غیره و غیره یاد کردند ، شاه ساکت بسخنان آقایان گوش میداد ، پس از چند دقیقه از جابر خاستند و پالتوی خود را پوشیده رو به هیئت دولت کرده و فرمودند: « با همه این تفصیل بزرگترین خدمت من به مملکت تشکیل نظام وظیفه بود » این را گفته و از در خارج شدند .

\*\*\*

بلافاصله بعد از مراسم ۱۷ دی در طهران دو امر پیش آمد که یکی به حد افراط و دیگری بحد تفریط بود ، از يك طرف بعضی از زنهاى معلوم الحال بكافه ها و رقاصخانه ها هجوم آورده و همه در



### خانمها در دانشسرای تهران ۱۷ دیماه ۱۳۱۴

سنگ مرمر می سازند و خیلی بدیع و زیبا خواهد شد .

اعلیحضرت موقناً عمارت سابق را تخلیه کرده و در چند اتاق کوچک در ضلع غربی باغ که مشرف به خیابان کاخ است و سابقاً محل دفتر مخصوص بود منزل کرده بودند و همانجا اشخاص را می پذیرفتند . امروز اعلیحضرت در آن اتاق بر رسم عادت معمول قدم میزدند ، شاه پرسیدند که در این اوقات اوضاع چگونه است؟ جواب گفتم :

بحمدالله ... اعلیحضرت همایونی کار بزرگی انجام دادند که نام مبارک ایشان در تاریخ مملکت مخلد خواهد بود و مسیر زندگی اجتماعی ملت ایران را بکلی تغییر داد ولی چون سؤال می -

بعضی از مقامات روحانی آیه مبارکه : « ولیضربن بچیوبهن علی خمرهن » را به مذاق و رای خود تفسیر میکردند و در نزد مریدان خود زمزمه تنقید و ملامت را پیش گرفته بودند .

وزیر معارف دریادداشت (صدصیخ، جلد هشتم) خود در تاریخ ۲۷ دی ماه نوشته است :

« امروز قبل از ظهر بحضور اعلیحضرت رفتم دو مطلب که بنظرم خیلی فوری و مهم می نمود، بعرض شاه رسانیدم که هر دو را بحسن قبول تلقی فرمودند ، چون این روزها عمارت کهنه اختصاصی بامر اعلیحضرت در دربار خراب کرده و بر روی شالوده های آن عمارتی نواز

فرمائید ناچارم با کمال صداقت عرض کنم که طبقه عوام الناس و افکار عامه بدو عیب که پیش آمده ناراحت شده و سزاوار است که در دفع هر دو عیب توجه شود.

گفتند: وجه عیبی است ؟ ... گفتم یکی این است که این روزها ما مورین پلیس و بعضی حکام بزور و اجبار در کوچه و بازار در کشف حجاب سعی می کنند و برای زنها خیلی مزاحمت فراهم می کنند، خانم های بی خبر و احیاناً خانواده های عقیف را در معاير مزاحم شده و بجبر و عنف چادر از سر آنان بیرون می کشند و این کار تولید عکس العمل خواهد کرد باید با مردم که عادت می هزارساله داشته اند به ملائمت رفتار شود تا کم کم در اثر تربیت خودشان بمیل و رغبت از نشان دادن صورت و دستها که در شرع اسلام جایز است خودداری نکنند و بطور طبیعی آماده کشف حجاب شوند . عیب دوم که نه تنها حالا در مملکت ما پیدا شده بلکه سالهاست که در ممالک فرنگستان هم این عیب وجود دارد و محل اندیشه و تفکر دانایان و عقلای قوم است ولی چاره ای نداشته اند ... آن افراط در رقص است . این چند شب در کافه ها و دانسینگهای تهران رفتار زنهای رفاقه نیمه عریان خیلی زیاد و بیش از حد زشت و زننده است و آنها با جوانان بوالهوس میرقصند . این زیاده روی تأثیر ناپسندی در افکار مردم کرده است ... پس از عرض این مطلب شاه مدتی در فکر رفتند بعد بمن نظر کرده فرمودند: بسیار خوب دیگر چه ؟ ... گفتم : عرض همین است که بسراحت و راستی عرض کردم بسته بنظر مبارك است .

شاه بطرف میز رفته و زنگی که روی میز بود فشار داده مستخدمی بدرون آمد . شاه فرمودند که برئیس نظمیة تلفن کنید فوراً بیاید و مرا مرخص کردند . بعد

ها شنیدم که تمام دانسینگهای طهران را بسته اند ...

\*\*\*

پس از برگزاری مراسم آن روز فرخنده مجالس سخنرانی و خطابه هم - چنان مرتباً در کانون بانوان انجام می - گرفت و اشخاص سرشناس و محترم از آن جمله شادروانان وثوق الدوله و حاج محترم السلطنه رئیس مجلس شورای و مرحوم صدرا لاشراف وزیر دادگستری و بزرگان دیگر در آن جلسات سخنرانی های سودمند و آموزنده ایراد میکردند در سال بعد یعنی در سالروز ۱۷ دیماه ۱۳۱۵ مجلس باشکوهی در همان محل فراهم آمد و خانم ها و آقایان همه آنروز فرخنده را جشن گرفته و از آن به بعد تا کنون همه ساله روز ۱۷ دیماه را همه کس بخصوص خانم های دانشمند و روشن فکر شادمانی می کنند و از آن شاهنشاه بزرگ که مؤسس و بانی آن خدمت بزرگ اجتماعی بود به عظمت و احترام یاد می کنند .

در سال ۱۳۱۶ تحول عظیمی در دستگاه آموزشی بعمل آمد - در آن سال کلاسهای چهارساله دبستانها بصورت مختلط تشکیل شدند و نوباوگان دانشجو از پسر و دختر در زیر نظر خانم های آموزگار به تعلیم و تربیت مشغول شدند و نیز از همان سال در دانشکده های ادبیات و علوم و پزشکی و داروسازی و حقوق دختران دانش آموز در ردیف پسران دانش طلب اسم نویسی کرده بدانشگاه تهران پذیرفته شدند و تاکنون عده خانمهای فارغ التحصیل روز افزون و روبازدید است .

امیدوارم این قافله مبارك همواره بطرف خیر و صلاح و برکت و نجاح پیش بروند و بسر منزل نیکیبختی و سعادت برسند .